یادداشت روز

نقاشی ایران در انتظار «فروغ»

حمید سوری
پژوهشگر هنر

● زنان هنرمند ما از جمله نقاشان زن، جایگاه بسیار خوبی در فضای هنری ۷۰-۶۰ سال اخیر داشته‌اند. زمانی که هنر مدرن و معاصر ایران را نگاه می‌کنیم از نسل اول تا متاخر، زنان هنرمند ما عموما مانند دیگر پیشگامان توانسته‌اند درک خوبی از زمانه خود از هنر داشته باشند و همان‌طور که در گذشته هنر ما فرمال بود، زنان نیز چنین گرایشی را دنبال می‌کردند. همچنین زنان هنرمند ما، کمتر نگاه جنسیت‌گرایی داشته‌اند و تا سال‌های اخیر، کمتر در آثارشان چنین موضوعی بروز پیدا کرده بود. در واقع در عرصه نقاشی، کسی مانند فروغ فرخزاد را در شعر نداشته‌ایم. اگر هم هنرمندان زنی داشته‌ایم که به این موضوع پرداخته‌اند، بیشتر از سوی نسل جوان در سال‌های اخیر بوده‌اند، به همین دلیل هم شاهد تنوع نقاشی و رویکردهای رادیکال بوده‌ایم، هرچند در جمع‌بندی کلی نمی‌توان گفت پرداختن یا نگاه جنسیتی الزاما مثبت است و هنرمند حتما باید دغدغه چنین نگاهی داشته باشد. مساله مهم این است که زنان ایرانی در برهه‌های مختلف، توانسته‌اند پاسخ‌هایی به مسایل روزمره داشته باشند و در کمتر سبک و گزارشی بوده است که شاهد حضور زن‌ها نبوده‌ایم.

در عین حال آنچه فوق‌العاده مایه تاسف است، فقدان پژوهش و بررسی آثار زنان هنرمند است که البته بخش زیادی از آن ناشی از آن است که کلا ما در کشورمان تاریخ هنر مدونی نداریم و به‌طبع، زنان که بیشتر در حاشیه بوده‌اند، کمتر درباره آثارشان کار یا پژوهش مدونی صورت گرفته است. خودآگاهی‌هایی که امروز در میان نسل زنان هنرمند شکل گرفته، باعث شده آثارشان رو به بهبود رود و همین موضوع به سمتی رفته است که امروز شاهد حضور زنان زیادی در دانشگاه‌ها و گالری‌ها هستیم. در قسمت پایانی نیز دوست دارم براین نکته تاکید کنم که برپایی نمایشگاه‌های نقاشی ویژه زنان، زمانی ارزشمند است که با یک هدف پژوهشی و بازشناسی درست صورت گیرد تا شناخت بیشتر زنان را فراهم کند، در غیر این صورت زنان هنرمند ما بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند.

صندوق خاکستری

اشک امروز، اشک شوق

کیهان کلهر
آهنگساز

چهار سال پیش با چشمان اشک‌بار، گاه در خیابان، گاه در خلوت خانه، با ناباوری مسایل را دنبال می‌کردم، بعد یأس، صبر و سکوت به مدت سه‌سال و ۳۶۰و یکی، دو روز تا فهمیدیم که می‌توان بود و باید در حد وسع کاری کرد. امروز ناباوری و چشمان اشک‌بار هنوز هستند، ولی اشک، اشک شوق است و ناباوری از بزرگی مردممان. آنها که رای دادند و کسانی که با سکوتشان حرفشان را زدند همه به یک اندازه در این روز نقش دارند و یک پیام مشخص را فرستادند. این روز متفاوت و پرامید، حاصل ازخودگذشتگی، صبر و پافشاری بسیاری است. همیشه. با امید به اینکه سه‌سال و ۳۶۰و یکی، دو روز آینده پر از شوق و امید باقی بماند تا کمکی شود به اینکه ایرانمان متعلق به همه باشد. انسان با کار و امید زنده است. کار خواهیم کرد و امید خواهیم داشت که متاسفانه هنوز اول کار است. مبارک همه‌مان باشد.

رای باز

امید به تکرار افتخارات گذشته

آلفرد یعقوب‌زاده
عکاس آژانس سیپا

آمدن دکترحسن روحانی برای ایجاد تغییر و اصلاحات بود. وی درباره خروج از بن‌بستی سیاسی سخن به میان آورد. طی دوران اصلاحات محمد خاتمی، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و دست‌اندرکاران سینما از طرف مسوولان دولتی بهتر درک می‌شدند و ارتباط دولت با آنان همراه بود با احترام و رعایت آزادی‌های حرفه‌شان. بسیاری از ما که خواسته یا ناخواسته دور از ایران زندگی می‌کنیم دوران اصلاحات خاتمی را مانند تصاویری جذاب در ذهن داریم، که با نوستالژی و غم دلتنگی همراه است. دستاوردهای بزرگ دوران اصلاحات برای ما خاطره‌ای شیرین است؛ آزادی روزنامه‌ها و مجلات، رشد حیرت‌آور نشر کتاب، بازگشت خودخواسته بسیاری از نویسندگان و هنرمندان به ایران. آن روزها، روزهای فهم و درک دوجانبه، تساهل و رواداری و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز بود. امیدوارم امروز بتوانیم افتخارات گذشته را دوباره احیا کنیم و به‌دست آوریم.

چهره روز

برنیس بژو، بازیگر «گذشته»:

همه چیز تحت کنترل فرهادی بود

● «برنیس بژو»، هرچند تا پیش از بازی در فیلم گذشته به واسطه حضورش در فیلم «آرتیست» شناخته شده بود؛ اما دریافت نخل طلایی بهترین بازیگر زن، از جشنواره کن برای فیلم فرهادی باعث شد تا نگاه رسانه‌ها به او معطوف شود. بژو در تازه‌ترین اظهاراتش می‌گوید: «پس از مراسم اسکار بسیار خسته بودم و فرزند دوم من نیز تازه به دنیا آمده بود و باید در خانه می‌ماندم. پیشنهاد بازی در یک فیلم در جنوب فرانسه را رد کردم، اما زمانی که فرهادی به فرانسه آمد و به من پیشنهاد بازی در فیلمی در پاریس را داد، فوق‌العاده بود؛ چراکه مجبور نبودم از خانه و خانواده‌ام دور شوم. به گزارش ایسنا بژو در فیلم «گذشته» عملکرد بسیار قدرتمند و محسوسی از درد و افسوس را در بازی خود به نمایش گذاشت؛ تا جایی که پس از نمایش فیلم در جشنواره، «نیکول کیدمن» که از اعضای هیات داوران نیز بود با چشمان گریان از سالن سینما بیرون آمد. «بژو» درباره شیوه کارگردانی فرهادی گفته است: او بسیار رییس‌مابانه رفتار می‌کند، اما به شکل مثبت. منظورم این است که او همه‌چیز را کارگردانی می‌کند و همه‌چیز تحت کنترل او است و این کار را برای نتیجه بهتر انجام می‌دهد. او کنترل زیادی روی طراحی لباس، مو و گریم من داشت تا بتواند خستگی را در چهره‌ام نشان دهد. جدیدترین ساخته اصغر فرهادی از روز چهارشنبه - ۲۹ خرداد - در سینماهای تهران به روی پرده خواهد رفت.

در اقدامی ناشیانه، مجسمه برنزی «تناولی» رنگ‌آمیزی شد

تغییر چهره «فرهاد قفل‌زن»

قبل از رنگ‌آمیزی

بعد از رنگ‌آمیزی

پرویز براتی: «فرهاد قفل‌زن» تناولی این روزها حال و روز خوشی ندارد. این مجسمه برنزی که سال‌هاست در مجاورت تئاترشهر، چشم به رهگذران دوخته از سوی مسوولان شهرداری «رنگ مالی ناشیانه» شده است؛ رنگ مالی‌ای که صدای اعتراض این مجسمه‌ساز را هم در آورده و اعتراض او را در پی داشته. گویا سرنوشت این مجسمه بر آن بوده تا هر دست‌کاری در تن و چهره‌اش روی دهد. این مجسمه، از چند سال پیش، به طرزی تراژیک تغییر شکل یافته و از فرم اولیه خارج شده است. رهگذران قفل‌هایش را کندند و فرهاد مانده و یک قفس! حالا هم در اقدامی ناشیانه و غیراصولی رنگ‌آمیزی شده است. تناولی در واکنش به این دخل و تصرف در مجسمه «فرهاد قفل‌زن» به شرق گفت: «رنگ‌کردن این اثر به خودی خود کار خطایی بود. از اینکه این مجسمه را با رنگ اکریلیک طلایی، رنگ‌آمیزی کرده‌اند ناراحتم. آگاهان و کارشناسان مربوطه می‌دانند که بهترین راه برای تمیزکردن مجسمه برنزی، ساییدن آن است نه رنگ‌کردن. نمی‌دانم با چه منطقی این اثر برنزی را رنگ کردند.» این البته اولین نمونه برخورد نادرست و غیراصولی با مجسمه‌های پرویز تناولی در مراکز فرهنگی و هنری تهران نیست. ۱۸خرداد ۱۳۹۱، رهگذرانی که گذرشان به محوطه اصلی کاخ نیاوران می‌افتاد با صحنه دلخراش نابودی یکی دیگر از مجسمه‌های قدیمی این مجسمه‌ساز روبه‌رو شدند؛ مجسمه‌ای مربوط به سال ۱۳۴۱ که از آن تنها یک پایه باقی ماند و از سرنوشت اصل مجسمه خبری نبود. تخریب یا نگهداری غیراصولی آثار هنرمندان پیشکسوت طی این چند سال به یک «عادت» بدل شده و اغلب هم اعتراض آنها را در پی داشته است. در این مورد خاص هم، پرویز تناولی در گفت‌وگو با «شرق»، ضمن اشاره به این حرکت غیرفرهنگی، اعتراض خود را خطاب به مسببان این واقعه اعلام کرد. همین برخوردهای غیراصولی سبب شده تناولی، خواهان بازپس‌گیری آثارش از مراکز تحت امر شهرداری، برای تجمیع آنها در موزه خود باشد. در واقع اختلاف قدیمی پرویز تناولی و شهرداری تهران بر سر بازگرداندن آثار وی به کلافی سردرگم تبدیل شده؛ کلافی که گویا تنها با ورود شهردار تهران به این ماجرا از هم گشوده خواهد شد. خانه‌ای در یکی از کوچه‌های قدیمی محله نیاوران، سال‌هاست چشم انتظار مجسمه‌ها و آثاری را می‌کشد که در دوران مدیریت محمود احمدی‌نژاد در شهرداری، بر اساس قراردادی از این هنرمند خریداری شد. این البته تمام ماجرا نبود. در آن زمان بر اساس قرارداد مزبور، نیمی از وجه تمام شده به این مجسمه‌ساز پرداخت شد، ولی نیم دیگر هیچ‌گاه به او داده نشد. هرچند تکلیف آن خانه با رای قاطع دیوان عدالت اداری منجر به بازپس‌دادن به تناولی شد؛ اما وضعیت مجسمه‌ها و دیگر آثار هنری وی، همچنان نامعلوم و نگران‌کننده است. این روزها بازگرداندن این آثار به دغدغه این مجسمه‌ساز پیشکسوت تبدیل شده و او بر آن است تا آثارش را به خانه خودشان برگرداند تا به گفته خود، خانه و آثار را برای آیندگان به یادگار بگذارد. تناولی چندی پیش در ادامه پیگیری‌های خود و در تازه‌ترین اقدام با نگارش نامه‌ای خطاب به محمدباقر قالیباف از وی خواست آثارش به وی بازگردانده و از پخش‌وپلاشدن آنها جلوگیری شود. در متن نامه این هنرمند آمده بود: «شهردار محترم پایتخت! در سال ۱۳۸۲ شهردار وقت تهران خانه مسکونی اینجانب را به موزه تبدیل کرد و تعداد ۶۰ قطعه از آثارم را نیز خریداری و در آن به نمایش گذاشت. اما عمر موزه کوتاه بود و با تغییراتی که در مدیریت شهرداری به وجود آمد، موزه تعطیل و آثار به انبارهای شهرداری منتقل شد، اما کار با پسگیری ملک به درازا کشید. سرانجام پس از شش سال کش‌وقوس ملک با رای دیوان عدالت اداری به اینجانب بازپس گردانده شد. از همان ابتدای کار شرط واگذاری آثارم تجمیع آنها در خانه خودم بود که با تعطیلی موزه و انتقال آنها به مکان‌های مختلف شهرداری عملی نشد. طی این مدت ۱۰سال بارها تقاضای بازپس‌گیری آثارم را کرده‌ام و سال گذشته وقتی مطلبی درباره فروش آثار هنری شهرداری تهران را در جراید دیدم، آمادگی خود را برای خرید آثارم اعلام کردم، اما نتیجه‌ای دریافت نکردم. با اطلاعاتی که به دست آورده‌ام، آثارم در مکان‌های مختلف پراکنده شده و بسیاری از آنها صدمه دیده و برخی هم ناپیدا شده‌اند، با چنین روالی آرزوهای دیرینه‌ام برای تجمیع آثارم در خانه خودم به باد خواهد رفت. با توجهی که آن شهردار محترم به امور هنری دارند، امید است در این مورد نیز اقدام کنند و دستور بازپس‌دادن آثارم را صادر کنند تا آنها را به خانه خودشان برگردانم و خانه و آثار را برای آیندگان به یادگار بگذارم.» تناولی از یکسو نگران صدمه‌دیدن و ناپدیدشدن آثارش و از سوی دیگر «به یادگار گذاشتن» این آثار برای آیندگان است. مسوولان مربوطه در شهرداری، که آثار تناولی در مراکز تحت مدیریتشان تخریب و نابود می‌شود، به خوبی به این نکته واقفند که به لطف آثار گرانبهای این هنرمند و شماری دیگر از هنرمندان پیشکسوت، نام هنر ایران در بسیاری از مراکز معتبر هنری دنیا و مجلات تخصصی هنر برده شده و درخشیده است. چه بهتر که تا دیر نشده، اقدامی برای خاتمه‌دادن به این وضعیت صورت گیرد.

سرخط

شرق: پنجاه‌وهشتمین مراسم سالانه اعطای جوایز فیلم «دیوید دوناتلو» شب گذشته در شهر رم برگزار شد و «جوزپه تورناتوره»، کارگردان صاحب‌نام سینمای ایتالیا با «بهترین پیشنهاد» جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از اسکار سینمای ایتالیا گرفت.

پیشنهاد روز

نمایش «شام با دوستان» برای بیماران تئاتر

● عواید فروش نمایش «شام با دوستان» به بیماران خانه تئاتر تعلق می‌گیرد. آیدا کیخایی کارگردان این نمایش به ایسنا خبر داده که عواید فروش نمایش «شام با دوستان» برای اجرای روز سه‌شنبه ۲۸ خرداد به صندوق حمایت از بیماران خانه تئاتر تعلق می‌گیرد. این پیشنهاد مدتی در خانه تئاتر مطرح شده است و تاکنون تعدادی از گروه‌های نمایشی این اقدام را انجام داده‌اند. نمایش «شام با دوستان» کاری از گروه نمایش «این روزها» نوشته دونالد مارگولیز، به کارگردانی آیدا کیخایی ساعت ۱۸:۳۰ تا آخر تیرماه به روی صحنه است. نیکی کریمی، امیررضا دلاوری، بهناز جعفری و احمد ساعتچیان بازیگران آن هستند.

آگراندیسمان

دولت جدید دَرِ خانه سینما را باز می‌کند؟

● **شرق:** خانه سینما می‌تواند تا مرداد منتظر بماند که دولت جدید مستقر شود و بعد از یک‌سال و چند ماه با تعامل مسوولانی که سکان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برعهده می‌گیرند، به خیابان سمنان بازگردد. این موضوعی است که فرهاد توحیدی، رییس هیات‌مدیره سینما در گفت‌وگو با ایسنا، گفته و تاکید کرده: برخی همچنان روی مواضعی که نه موافق قانون است و نه موافق عرف ایستاده‌اند بنابراین با این وضعیت تصور می‌کنم تفاهمی برای بازگشایی خانه سینما در دولت دهم حاصل نشود. ما همچنان روی حرف گذشته‌مان ایستاده‌ایم و همان‌طور که قبلا گفتیم، راه بازگشایی خانه سینما توجه به اساسنامه اصلاح‌شده است. به گفته توحیدی: «تصور می‌کنم در مدت باقی‌مانده از دولت دهم درباره بازگشایی خانه سینما تحولی حاصل نشود چون دوستان همچنان روی مواضعی می‌ایستند که نه موافق قانون است، نه موافق عرف است و نه حتی با ماموریت‌هایشان تناسبی دارد.» توحیدی درباره اینکه گفته می‌شد محسن علی‌اکبری به عنوان نماینده سازمان سینمایی قرار است با هیات‌مدیره خانه سینما درباره بازگشایی این تشکل مذاکره کند، تصریح کرد: ما چنین نمایندگی‌ای از ایشان مشاهده نکردیم. آقای علی‌اکبری همچنان اصرار دارند که نماینده هیات بازگشایی هستند و ما نیز همچنان اصرار داریم که طبق اساسنامه اصلاح‌شده جایی به نام هیات بازگشایی شأن قانونی ندارد.

گزارش روز

با حضور پررنگ جوانان همراه شد

۷ نسل زنان نقاش ایران روی دیوار

سحر آزاد: تمام تابلوهایی که روی دیوار خانه هنرمندان نصب شده‌اند، یک ویژگی مشترک دارند. خالقان تمام آنها نقاشان زنی هستند که با دعوت انجمن هنرمندان نقاش برای نمایشگاه سالانه این انجمن انتخاب شده‌اند. در این نمایشگاه آثاری از هفت نسل زنان نقاش ایرانی از دهه ۳۰ تا پایان دهه ۸۰ به نمایش درآمده است، هرچند برخی از اولین زنان نقاش معاصر همچون ایران درودی آثاری در این نمایشگاه ندارد. ژیلا هدایی، دبیر نمایشگاه در پاسخ به «شرق» درباره دلیل نبود آثاری از این هنرمندان می‌گوید: «ایران درودی سفر بود و به همین دلیل نتوانستیم اثری از او در اختیار داشته باشیم اما از دیگر بانوان فقید سعی کردیم آثاری از خانواده‌هایشان را به امانت بگیریم.» البته در دو سال اخیر، این دومین نمایشگاهی است که از زنان نقاش برگزار می‌شود، نیمه دوم سال ۹۱ نیز گالری پردیس ملت میزبان سه‌نسل از زنان نقاش با عنوان «نگاهی دیگر» بود. حالا به فاصله چند ماه از این جریان، انجمن هنرمندان نقاش هم اقدام به برپایی نمایشگاه دیگری با این موضوع کرده است و به همین دلیل احتمال اینکه این دو نمایشگاه با یکدیگر مورد مقایسه قرار بگیرد، زیاد است. گیزلا سینایی که در هر دو نمایشگاه شرکت کرده است، درباره نمایشگاه زنان نقاش در خانه هنرمندان به «شرق» می‌گوید: «از آنجاکه نمایشگاه پردیس گالری ملت از نظر اجرایی و کیفیت خوب بود، نمایشگاه خانه هنرمندان هم باید در سطح قابل قبولی برپا شود تا بتواند به خوبی توانایی‌های زنان نقاش ایرانی را نشان دهد.» او ادامه می‌دهد: «تا آنجایی که می‌دانم، نمایشگاه خانه هنرمندان فاقد پوستر مناسب و کاتالوگ بود. وقتی یک نمایشگاه به اتمام می‌رسد، آنچه از آن باقی می‌ماند همین کاتالوگ‌هاست که به عنوان کارنامه یک نمایشگاه محسوب می‌شود. نمایشگاهی به این بزرگی، حقش این بود که سازمان‌یافته‌تر برپا شود.» سینایی همچنین می‌گوید انجمن هنرمندان نقاش به عنوان یک نهاد خصوصی از نظر مالی در شرایط ایده‌آلی به‌سر نمی‌برد و به همین دلیل درک می‌کند که برای برپایی این نمایشگاه و انتشار پوستر و کاتالوگ هم با کمبود بودجه آنها همراه شود اما پیشنهاد می‌دهد برای انجام چنین کارهایی باید حامیان حامی وجود داشته باشند که کیفیت نمایشگاه را بالا ببرند. او با این حال از اینکه نقاشان زن به‌خصوص نسل جوان، فعال هستند و با نیازهای روز جامعه همراهند، ابراز خوشحالی می‌کند. نمایشگاه زنان عضو انجمن نقاشان ایران که به عنوان نمایشگاه سالانه این انجمن تا پایان خرداد برپا شده است هرچند در تلاش است تا ظرفیت‌های زنان نقاش معاصر ایران را نشان دهد و از این نظر می‌تواند بستری مناسب برای تحقیق و پژوهش آثار زنان هنرمند را فراهم کند اما به‌نظر می‌رسد کمی عجولانه و با شتابزدگی برگزار شده است. بیشتر تابلوهای ارایه‌شده از نسل جوانی تشکیل شده‌اند که در میان آنها نسل‌های اولیه و پیشکسوت زنان نقاش گم شده‌اند و به همین دلیل کمتر می‌توان از این طریق شناخت درستی از هفت نسل زنان نقاش ایرانی به‌دست آورد.

عکس روز

تور ۳۳روزه باب دیلن، شاعر، ترانه‌سرا و خواننده جنبش اعتراضی آمریکا اکتبر امسال (مهرماه) از شهر اُسلو آغاز می‌شود. دیلن در ادامه این تور اروپایی ۲۸ نوامبر در رویال آلبرت‌هال لندن روی صحنه خواهد رفت. دیلن در حالی ۷۲سالگی خود را پشت‌سر می‌گذارد که به‌واقع از او به‌عنوان سیاسی‌ترین خواننده جهان یاد می‌کنند. او نماد موسیقی اعتراضی در سراسر جهان است. از بهترین نمونه آهنگ‌های دیلن در این زمینه می‌توان به «زمان تغییر فرارسیده است» (The Time They are A - changin) و «نواختن در باد» (Blowin in the wind) اشاره کرد.

عکس: Reuters